



چاپ ہفتم

فوتبال علیہ دشمن

سایمون کوپر

ترجمہ ی عادل فردوسی پور





cheshmehpublication



telegram.me/cheshmehpublication

www.cheshmeh.ir

رده‌بندی نشر چشمه: علوم انسانی

فوتبال علیه دشمن
ترجمه‌ی عادل فردوسی‌پور

لیتوگرافی: طلوع

چاپ: جیدری

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

چاپ اول: بهار ۱۳۸۹، تهران

چاپ هفتم: زمستان ۱۳۹۴، تهران

ناشر فنی: چاپ بوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.

هرگونه کتنباش و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک: ۶ - ۷۶۷ - ۳۶۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸

دفتر مرکزی و فروش نشر چشمه:

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان، خیابان وحید نظری، شماره‌ی ۳۵

تلفن: ۶۶۴۹۲۵۲۴

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی مرکزی:

تهران، خیابان کریم‌خان زند، نبش میرزای شیرازی، شماره‌ی ۱۰۴

تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کورش:

تهران، بزرگراه ستاری شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کورش، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴

تلفن: ۹۰ - ۴۴۹۷۱۹۸۸

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی آرن:

تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرحزادی، نرسیده به بزرگراه نیاپش، خیابان حافظی، نبش خیابان فخارمقدم

مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲

فهرست

- ۹..... مقدمه‌ی مترجم
- ۱۱..... مقدمه‌ی نویسنده
- ۲۱..... فصل یکم
- ۲۷..... فصل دوم: فوتبال جنگ است
- ۴۷..... فصل سوم: مخالف فوتبال
- ۶۵..... فصل چهارم: بالتیکی‌ها دوست دارند در جام جهانی آمریکا باشند
- ۷۹..... فصل پنجم: رئیس پلیس مخفی در گوشه‌ی چپ زمین
- ۱۰۵..... فصل ششم: فرمانروایان اوکراین
- ۱۲۷..... فصل هفتم: سرتراشیده‌ی تنهایی که ملتی را نجات داد
- ۱۳۵..... فصل هشتم: گائز، اروپا و سقوط مارگارت تاچر
- ۱۴۵..... فصل نهم: یک روز با هلنیو هررا
- ۱۵۹..... فصل دهم: افث بارسلونا و پرسش اسکاتلندی
- ۱۷۳..... فصل یازدهم: هلند و انگلیس: چرا بابی رابسون در هلند ناموفق بود
- ۱۸۵..... فصل دوازدهم: افریقا (به‌طور خلاصه)
- ۲۰۵..... فصل سیزدهم: روزه میلا و رئیس‌جمهور کامرون
- ۲۳۹..... فصل چهاردهم: ماندلا در هلدفونتاين
- ۲۷۵..... فصل پانزدهم: کوتاه، تیره، امریکایی
- ۲۹۷..... فصل شانزدهم: آرژانتین قهرمان!
- ۳۳۹..... فصل هفدهم: پل‌ی مالاندرو

- فصل هجدهم: سلتیک و رنجرز یا رنجرز و سلتیک ۳۵۳
- فصل نوزدهم: از بوستون تا بنگلادش در جام جهانی ۳۷۹
- فصل بیستم: رئیس‌جمهور و پسران بد آبی ۳۹۱
- فصل بیست و یکم: فوتبال جهانی، مبارزه‌ی جهانی ۴۰۷
- بعدالتحریر: آن‌ها حالا کجا هستند؟ ۴۱۹

30book

مقدمه‌ی مترجم

زندگی، جنگ و دیگر هیچ بخشی از عنوان کتاب مشهور اوریانا فالاجی است. معادل واژه‌ی زندگی در این نام زیبا، برای من فوتبال است. فوتبال یعنی زندگی. روزی که یک اتفاق فوتبالی نیفتد، معنای یک روز نافرجام را دارد. انگار خورشید مثل همیشه غروب نمی‌کند! خلاصه فوتبال یکی از دردهای مشترک عاشقان فوتبال است که شاید بسیاری از خوانندگان این کتاب هم آن را تجربه کرده باشند، و تابستان ۸۸ گریبان مرا هم گرفت. مصدومیت‌های پی‌درپی در فوتبال که خانه‌نشینم کرده بود، حذف تراژیک تیم ملی از جام جهانی، تعطیلی تابستانی لیگ‌های اروپا، تمام شدن لیگ فوتبال ایران و به پایان رسیدن یک دهه از برنامه‌ی نمود. تماشا نکردن و گزارش نکردن و پابه‌توپ نشدن، این‌ها خلاصه را دوچندان می‌کرد.

در این روزهای بی‌فوتبال، فیبرهای نوری به کمک آمدند و در اینترنت نام کتاب‌های فوتبالی را جست‌وجو کردم. زندگی ژوزه مورینیو، فابیو کاپلو، سر آلکس فرگوسن و چند کتاب دیگر... از آن میان، نام یک کتاب توجهم را جلب کرد: *Football Against the Enemy*. «بهترین کتاب سال... نوشته‌ی سایمون کوپر...» و چند جمله‌ی تأثیرگذار از آن‌هایی که خواندنش را توصیه کرده بودند.

چند روز بعد، یکی از دوستانم را دیدم و او هم برحسب اتفاق یک جلد از کتاب را داشت! اولین باری که خواندنش را شروع کردم، آنقدر جذاب بود که روی کتاب خوابم برد. با خودم فکر کردم چه اکسیر خوبی است؛ برای این روزهای در تبعید از فوتبال، و این گونه شد که ترجمه‌ی کتاب کلید خورد.

فوتبال علیه دشمن سال ۱۹۹۳ میلادی در ۱۹ فصل به چاپ رسید. ۱۰ سال بعد با افزودن دو فصل دیگر و ضمیمه تجدید چاپ شد. لازم به توضیح است که بخشی از فصل پایانی کتاب در ترجمه، بنا بر ملاحظات حذف شده است.

از هوشنگ گلمکانی عزیز که در بازخوانی و ویرایش نهایی همت ورزید و مهدی یزدانی خرم که در ویرایش اولیه همراه شد، و مجید اسلامی که در رفع ابهامات فصل ۱۶ مرا یاری کرد، صمیمانه قدردانی می‌کنم.

سایمون کوپر در کتابش به قدرت و نفوذ فوتبال در عرصه‌های غیرفوتبالی می‌پردازد؛ از تأثیر پیچیده‌ی فوتبال در دگرگونی ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، از به‌هم‌پیوستگی و ازهم‌گسستگی ملیت‌ها و قومیت‌ها، از توافق و تقابل فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، تا باور آن‌که این ورزش عجیب و محبوب مرزهایی فراتر از آن خطوط سپید پیرامون مستطیل‌های سبز دارد؛ مرزهایی ناپیدا و ناشناخته به وسعت این جهان پهناور.

شاید بهترین انگیزه برای خواندن این کتاب تعبیری است که سایمون بارنز نویسنده‌ی روزنامه‌ی تایمز درباره‌ی فوتبال علیه دشمن دارد: «اگر فوتبال را دوست دارید، این کتاب را بخوانید... و اگر فوتبال را دوست ندارید، باز هم این کتاب را بخوانید!»

مقدمه‌ی نویسنده

هرگز نتوانستم از نوشتن درباره‌ی فوتبال دست بکشم. پس از پایان این کتاب در ۱۹۹۳، قصد داشتم زندگی ژورنالیستی‌ام را صرف موضوع‌های مهمی مانند اقتصاد کنم. خدا کسانی را که می‌خواهد تنبیه کند، به آن‌چه می‌خواهند می‌رساند! خیلی زود خبرنگار امور ارزی روزنامه‌ی فایننشال تایمز شدم و هر روز گزارش اوضاع دلار و ین و مارک آلمان را می‌نوشتم. پس از دو سال، ملال و یکنواختی این کار مجبورم کرد رها کنم و ستون‌نویس بخش فوتبال جهان روزنامه‌ی آیزورور شوم.

سال‌ها گذشت و من دوباره به فایننشال تایمز سوق داده شدم؛ جایی که حالا گاهی درباره‌ی چیزهای مهمی مثل حزب محافظه‌کار بریتانیا یا نظرسنجی برای «مهم‌ترین شخصیت بلژیکی» می‌نویسم، اما نمی‌توانم فوتبال را رها کنم. ستون هفتگی ورزشی‌ام در روزنامه اغلب به نوعی مطالب به‌روزشده‌ی کتاب فوتبال علیه دشمن است.

اخیراً مطالبی درباره‌ی سیلیویو برلوسکونی، نخست‌وزیر ایتالیا و مالک باشگاه میلان، همچنین تلاش بازیکن سابقش ژرژ وه‌آ برای احراز مقام ریاست جمهوری لیبریا نوشتم، و درباره‌ی شبی که در روتردام با دو نفر از

بازیکنان هلند و آلمان حاضر در فینال جام جهانی ۱۹۷۴ سپری کردم، که به من ثابت کرد دو کشور در حال فراموش کردن اختلاف‌های گذشته‌شان هستند. بخشی از مطالب فصل تازه‌ی چاپ دوم کتاب (بازی جهانی، مبارزه‌ی جهانی) هم از ستون‌هایم در فایننشال تایمز، آبزورر و نیویورک تایمز گرفته شده؛ هر چند که بخشی از آن هم از مقاله‌ای که در نیویورک تایمز مگزین نوشتم آمده است.

امروز هم فوتبال مثل همان روزی که اولین سفرم را برای نوشتن این کتاب انجام دادم برایم اهمیت دارد، اما نوع اهمیتش فرق کرده است. اول این که وقتی در ۲۲ سالگی با ماشین تحریری که در کوله‌پشتی‌ام داشتم سفرم را در ژوئیه‌ی ۱۹۹۲ با قایق آغاز کردم، دنیا بسیار بزرگ‌تر به نظر می‌رسید. پیش از اینترنت، پیدا کردن اطلاعات درباره‌ی کشورهای مثل اوکراین یا کامرون بدون سفر به آن‌جاها کار بسیار سختی بود. چون این کشورها متزوی بودند و شرایطشان با آنچه امروز دارند تفاوت‌های زیادی داشت. بی‌تردید در آن زمان فرهنگ فوتبالی‌شان متمایزتر بود. وقتی حالا برای تماشای فوتبال به سراسر جهان سفر می‌کنم، متوجه می‌شوم که چنین مسائلی در سایر جاها هم تکرار می‌شود: هواداران صورت‌رنگ‌کرده پیراهن‌های منچستر یونایتد و به‌خصوص شیهه شدن روزافزون سبک بازی‌ها؛ هلندی‌ها، انگلیسی‌ها، امریکایی‌ها و کامرونی‌ها همه فوتبال مشابهی ارائه می‌دهند.

امروز در اروپا، فوتبال دیگر مثل گذشته قومیت‌ها را مقابل هم قرار نمی‌دهد. وقتی این کتاب را می‌نوشتم، ورزشگاه‌های فوتبال، هنوز محل آشکار شدن تنش و درگیری‌های نژادی، مذهبی، منطقه‌ای و طبقاتی غرب اروپا بود.

بعد در ۱۹۹۹ در گلاسگو، با یک هوادار تیم سلتيك آشنا شدم که به من فهماند اوضاع در حال تغییر است. وقتی سلتيك کاتولیک به مصاف تیم رنجرز، رقیب پروتستان خود رفت، این شخص شعارهای خشم‌آلودی را خطاب به هواداران رقیب فریاد می‌زد. او حتا اسم پسر دومش را اسم تک‌تک بازیکنان تیم سلتيك، که در ۱۹۷۶ قهرمان اروپا شدند، گذاشت (و غریب که: «اسم ذخیره‌ها

دیگر در شناسنامه‌اش جا نمی‌شد!». تا این جا همه چیز عادی به نظر می‌رسید، جز این که او با زنی پروتستان ازدواج کرده بود. زمانی که همسرش در بیمارستان دوران نقاهتش را سپری می‌کرد، یواشکی به شهرداری رفت تا اسم فرزندش را ثبت کند. وقتی همسرش قضیه را فهمید، از عصبانیت لگدی به یک در زد!

او عکسی از پسر دوروزه‌اش را نشان داد که پیراهن سلطیک را در بازی‌های خانگی به تنش کرده، و در آغوش برادر بزرگ‌ترش بود که پیراهن سلطیک را در بازی‌های خارج از خانه پوشیده. پدر پیروز‌مندانه گفت: «قضیه را این جوروری نگاه کنید که این پسر هرگز برای رنجرز بازی نخواهد کرد!»

برای این مرد که هیچ مشکلی با پروتستان‌ها نداشت بازی سلطیک - رنجرز دیگر رقابتی مذهبی نبود. بسیاری دیگر از هواداران رنجرز و سلطیک هم چنین احساسی دارند. تقریباً نیمی از اهالی گلاسگو در ازدواج، زوجی با مذهب متفاوت انتخاب می‌کنند. دیگر کمتر کسی به کلیسا می‌رود. به عبارت دیگر، با وجود شعارهای متعصبانه‌ی هواداران سلطیک و رنجرز در ورزشگاه‌ها، آن‌ها معمولاً چنین منظوری ندارند.

این اوضاع در تمام غرب اروپا مصداق دارد. وقتی این کتاب را نوشتم درگیری‌های فوتبالی هنوز هم بازتابی از دل‌بستگی‌های مذهبی و منطقه‌ای بود. درست همان طوری که تیم بارسلونا نماد ملی‌گرایی کاتالونیا بود، داریی میلان - اینتر زمانی تقابل مهاجران طبقه‌ی کارگر برابر محلی‌های طبقه‌ی متوسط بود، و هلند در ۱۹۸۸ هنوز هم زخم‌های جنگ با آلمان را همراه داشت. اما امروز این انگیزه‌ها ضعیف‌تر شده است. اروپایی‌ها دارند اعتقادشان را به خدا از دست می‌دهند، اختلاف‌های طبقاتی محدود شده، تعصب‌های منطقه‌ای کاهش یافته و حالا کشورهایی مثل اسپانیا، دموکراسی‌های غیرمتمرکزی هستند و مناطقی مثل کاتالونیا اگر بخواهند می‌توانند مستقل باشند. بنابراین وقتی هواداران بارسلونا، پرچم کاتالان را تکان می‌دهند یا هواداران گلاسگویی شعارهای تعصب‌آمیز قومی سر می‌دهند، فقط از سمبل‌های سستی



نشر چشمه

Football Against the Enemy

فوتبال چیزی فراتر از محبوب‌ترین بازی جهان است. برای میلیون‌ها نفر فوتبال حکم مرگ و زندگی را دارد و یک زبان بین‌المللی است. فوتبال به تعبیر پله «بازی زیبایی» است که جنگ‌ها را آغاز می‌کند و به پایان می‌رساند، جرقه‌ی انقلاب‌ها را زده و خیلی از دیکتاتورها را هم در قدرت نگه داشته است.

سایمون کوپر به ۲۲ کشور سفر کرد تا تأثیر گاه عجیب فوتبال بر سیاست و فرهنگ این کشورها را درک کند. در عین حال تلاش کرد متوجه شود چه عاملی باعث می‌شود کشورهای مختلف این بازی ساده را این قدر متفاوت بازی کنند. کوپر در این مسیر با تعداد زیادی هوادار متفاوت فوتبال روبه‌رو شد، از هوادار اهل برلین شرقی که پلیس امنیتی آلمان شرقی به‌خاطر طرف‌داری تیم محبوبش آزارش داد، تا ژنرالی آرژانتینی که دیدگاه خودش را راجع به تاکتیک‌ها داشت. او همچنین اشتراک ترسناک بین فوتبال و سیاست را روشن کرد، به‌خصوص در زمان حمله‌های یازده سپتامبر، که امثال اسامه بن لادن به‌شدت دغدغه‌ی فوتبال داشتند. حاصل تلاش او تحقیق جالبی است درباره‌ی فوتبال و جایگاهش در جهان.

